

## ایران و رژیم صهیونیستی: از همکاری تا منازعه

امیر محمد حاجی یوسفی، ایران و رژیم صهیونیستی  
از همکاری تا منازعه، تهران: انتشارات دانشگاه  
امام صادق(ع)، ۱۳۸۲، صص ۲۴۸.

### شمس الله عظیمی

دستیار تحقیقاتی مرکز پژوهش‌های  
علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

منطقه خاورمیانه به لحاظ موقعیت ویژه ژئوپولیتیکی و به جهت غنای انرژی، مورد توجه زیاد بازیگران بین‌المللی است. تعاملات و چگونگی مناسبات بازیگران منطقه‌ای در شکل‌گیری ساختار نظام بین‌المللی تأثیرگذار و حتی تعیین‌کننده می‌باشد. این مسئله به ویژه در مورد منطقه خاورمیانه در سطح بالایی صدق می‌کند. ایران و رژیم صهیونیستی، دو بازیگر و به عبارتی، دو قدرت منطقه خاورمیانه به شمار می‌روند. این دو در اهداف سیاست خارجی و راهبردهای ملی خود در تضادی آشکار و شدید به سر می‌برند. هر یک داعیه

قدرت نخست را داشته، در صدد تسلط بر دیگری است. شناخت نحوه مناسبات گذشته و کنونی این دو کشور و پیش‌بینی چگونگی روابط آینده در پیشبرد اهداف راهبرد ملی هر یک بسیار مثمرتر خواهد بود. کتاب «ایران و رژیم صهیونیستی: از همکاری تا منازعه» به پیدایش و پردازش مناسبات دوجانبه می‌پردازد. کتاب از هشت فصل و یک پیشگفتار تشکیل شده است. در این کتاب، بیشتر از سطح تحلیل نظام بین‌الملل (منطقه‌ای و جهانی) بهره برده شده و تلاش شده است تا سیاست خارجی ایران در برابر رژیم صهیونیستی پیش و پس از انقلاب اسلامی با توجه به ویژگیهای نظام بین‌الملل (دوقطبی یا جنگ سرد و پسادوقطبی یا پساجنگ سرد) تحلیل شود. از این رو این کتاب تنها به مطالعه روابط خارجی ایران یا روابط خارجی اسرائیل نمی‌پردازد، بلکه می‌کوشد سیاست خارجی ایران را در دو مقطع زمانی حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی در مورد رژیم صهیونیستی به طور دقیق و علمی تجزیه و تحلیل نماید. فاصله سالهای ۱۳۲۷ (تشکیل رژیم صهیونیستی) تا سال ۱۳۸۱،

مقطع زمانی پژوهش حاضر است. تفسیر غالبی که نویسنده برای تبیین مبانی سیاست خارجی رژیم پهلوی و نظام جمهوری اسلامی ایران نسبت به رژیم صهیونیستی مورد استفاده قرار می‌دهد، چنین استدلال می‌کند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به اسرائیل، مبنای ایدئولوژیک دارد؛ از این رو واقع‌گرایانه نیست؛ به عبارتی، سیاست خارجی ایران پیش از انقلاب در ارتباط با اسرائیل، یک سیاست واقع‌گرایانه بوده، اما پس از انقلاب اسلامی آرمان‌گرایانه شده است. (ص ۱۰)

عنوان فصل نخست کتاب، کلیات نام دارد. در این فصل، اشاره‌ای به مناسبات ایران پهلوی با اسرائیل براساس رهنامه پیرامونی بن‌گوریون می‌شود که براساس ترکیبی از اتحاد کشورهای اسرائیل، ترکیه، ایران و ایتوپی بنا نهاده شده بود. در ادامه، دشمنی ایران و اسرائیل پس از انقلاب ۵۷ و حاکمیت جمهوری اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد. بر این اساس، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه دفاع از حقوق پایمال شده فلسطینی‌ها و ادامه خصومت تا

سرحد نابودی اسرائیل پایه‌گذاری می‌شود. تا زمانی که سیاست خصمانه ایران با اسرائیل در کنار دشمنی‌های کشورهای عربی با این رژیم همسو بود، شرایط حادی برای ایران ایجاد نشد، اما با آغاز دهه ۱۹۹۰ و با پی‌گیری مذاکرات صلح از سوی اسرائیل با کشورهای عربی منطقه، سیاست خارجی ایران با یک معضل جدی روبه‌رو شد؛ شروع گفت‌وگوهای صلح مادرید (۱۹۹۱)، پیمان نامه اسلو (۱۹۹۳) و مذاکرات میان اسرائیل با اردن (۱۹۹۴) و سوریه (۱۹۹۶)، مشکلات عدیده‌ای را برای ایران در پی داشت. در این زمان، سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی ایران به دنبال این بودند که چگونگی سیاست خارجی ایران را در برابر رژیم صهیونیستی و فرآیند صلح خاورمیانه مشخص کنند، اینکه آیا ایجاد تغییر در سیاست خارجی کشور در این رابطه امری لازم است؟ باید توجه کرد که در این مقطع زمانی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آرمان‌گرایی محض به سمت نوعی واقع‌گرایی گرایش پیدا کرده بود.

این کتاب می‌کوشد با در نظر قرار دادن پیشینه تاریخی مناسبات این دو کشور

در فصل دوم، چارچوب تئوریک منازعه و همکاری در روابط بین الملل مطرح می‌گردد. درک چگونگی و چرایی رفتار دولتها محور کنکاش این فصل است. روابط میان دولتها بیشتر از دو حالت کلی منازعه و همکاری خارج نیست. همکاری و منازعه دو الگوی عمده رفتاری میان دولتها در صحنه بین المللی است. یافتن پارادایم حاکم در روابط دو کشور (چه در حوزه همکاری و چه در چارچوب منازعه) نحوه تحلیل از نوع مناسبات را آشکار و آسان می‌سازد. مکاتب متعددی در این زمینه، آثاری از خود بر جای گذاشته‌اند که هر یک بخشی از روابط دو جانبه را مورد پژوهش قرار می‌دهد. در این بین، سه رویکرد عمده فکری در رشته روابط بین الملل، یعنی واقع‌گرایی، لیبرالیسم و کانستراکتویسم (سازنده‌گرایی) در مورد دلایل رفتاری دولتها وجود دارد.

### واقع‌گرایی

اهداف و مقاصد دولتها، توسط یکدیگر از طریق اعمال قدرت تعدیل و محدود می‌شود و خود قدرت به شکل یک

و استفاده از ابزار نظری موجود در رشته روابط بین الملل به این پرسش کلیدی پاسخ گوید که آیا سیاست خارجی ایران نسبت به رژیم صهیونیستی - از بدو پیدایش آن (۱۳۲۷) تا کنون - براساس منافع ملی کشور بوده است؟ دکتر حاجی یوسفی با بیان نظریاتی که در مورد علل منازعه میان کشورها وجود دارد به سه رویکرد واقع‌گرایی، لیبرالیسم و سازنده‌گرایی (Constructivism) اشاره می‌کند. واقع‌گرایی منازعه را امری ذاتی و دایمی نظام بین الملل می‌داند؛ لیبرالیسم همکاری را نیز در کنار منازعه امکان پذیر قلمداد کرده و منازعه را امر ذاتی و همیشگی نظام بین الملل فرض نمی‌کند. اساس دیدگاه سازنده‌گرایی نیز بر ذهنیت تصمیم‌گیرندگان استوار است؛ در واقع، این هویت و منافع بازیگران است که روابط بین الملل را شکل می‌دهد. معرفی و بیان کاستیها و ویژگیهای برخی آثار منتشر شده در ارتباط با مسایل ایران و اسرائیل که نویسنده با کنکاشی موشکافانه به نقاط ضعف و قوت آنها می‌پردازد، بخش پایانی فصل نخست کتاب است.

هدف اصلی در سیاست خارجی دولتها در می‌آید. از این رو قدرت، مفهوم اصلی در تفکر رئالیستی است. سازگاری توزیع تواناییها با موقعیت بازیگران در نظام بین‌المللی، داشتن اطلاعات کافی از تواناییها و مقاصد دیگر بازیگران و برخورداری از فن‌آوری نظامی - به ویژه تسلیحات هسته‌ای - مواردی هستند که واقع‌گرایان برای حصول ثبات در نظام بین‌الملل لازم و ضروری می‌دانند.

### لیبرالیسم

پیشینه لیبرالیسم به مکتب ایدئالیسم برمی‌گردد که در دوران جنگ جهانی یکم، نقطه مقابل واقع‌گرایی صف‌آرایی کرده بود و در نهایت با شکست روبه‌رو شد. در سالهای دهه ۱۹۶۰ با مورد پرسش و انتقاد قرار گرفتن پارادایم واقع‌گرایی، لیبرالیسم با جانی تازه پا به عرصه گذاشت؛ انتقاداتی از قبیل اینکه واقع‌گرایی سطوح مختلف تحلیل را در بر نمی‌گیرد و این پارادایم فاقد انسجام درونی است؛ همچنین علاوه بر منازعه همگرایی نیز می‌تواند پایه مناسبی برای امنیت دولتها باشد.

### کانستراکتویسیسم (سازنده‌گرایی)

رویکرد سازنده‌گرایی از نظریات جدید روابط بین‌الملل است که آن را در مقابل خردگرایی (راسیونالیسم) به کار برده‌اند. برخی معتقدند که این دو رویکردهای روش‌شناختی و تبیین اجتماعی دارند و بر این باورند که محور عمده مناظره در رشته روابط بین‌الملل در سالهای آینده احتمالاً میان خردگرایی و سازنده‌گرایی خواهد بود، بدین ترتیب، چهارمین مناظره رشته روابط بین‌الملل شکل خواهد گرفت. سازنده‌گرایان محیطی که دولتها و افراد در آن دست به کنش می‌زنند را هم‌مادی و هم‌اجتماعی می‌دانند و از سوی دیگر، بر این باورند که این محیط می‌تواند بر فهم دولتها و افراد از منافعشان تأثیرگذار باشد. سازنده‌گرایان معتقد به کنش میان کارگزاران و ساختارها هستند که هر دو به شکل متقابل، یکدیگر را ساخت می‌دهند و هیچ‌کدام را نمی‌توان به دیگری تقلیل داد. حاجی‌یوسفی در تبیین چارچوب تئوریک برای فهم روابط ایران و اسرائیل از ۱۳۲۷ تاکنون پارادایم‌های راسیونالیست - ماتریالیست، رئالیسم و

لیبرالیسم را برای درک رفتار خارجی دولت پهلوی دوم مناسب تشخیص می دهد و می نویسد: (ص ۵۹) رفتار دولت پهلوی نسبت به اسرائیل را می توان از منظر منافع مادی ملی و در چارچوب محاسبه سود و زیان برای افزایش فایده ها و مطلوبیتهای مادی مورد بررسی قرار داد، اما رفتار خارجی جمهوری اسلامی ایران در این چارچوب قابل فهم نیست، ایران اسلامی بدون توجه به شرایط ژئوپولیتیک به قطع رابطه با رژیم صهیونیستی پرداخت. شاید پارادایم سازنده گرایی اجتماعی بهتر بتواند تبیین کننده این رفتار باشد. بر این اساس، فاکتورهای عینی و مادی تعیین کننده رفتار خارجی جمهوری اسلامی ایران نبودند، بلکه هنجارهایی که تأثیر مستقیم بر منافع و هویت ایران اسلامی داشتند، عامل تعیین کننده بودند.

عنوان فصل سوم، «مروری تاریخی بر مناسبات ایران و فلسطین پیش از تشکیل رژیم صهیونیستی» است. این فصل با این پرسش آغاز می شود که چگونه قضیه فلسطین به شکل یک مسئله در سیاست خارجی ایران درآمد و نقش نیروهای داخلی

عمدتاً مذهبی - در این ارتباط چه بوده است؟ پیشینه تاریخی دو کشور ایران و فلسطین و همچنین روابط بین آنها ادامه بحث است. فلسطین از تاریخ طولانی برخوردار است که نخستین ساکنان آن قوم عربهای سامی با نام کنعانیان بودند که از ۲۵۰۰ تا ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد بر فلسطین تسلط داشتند. در دوران هخامنشیان، ایرانیان از ۵۳۸ تا ۳۳۲ پیش از میلاد بر فلسطین حکمرانی می کردند تا اینکه با لشکرکشی اسکندر مقدونی، این تسلط به پایان رسید. پس از ظهور اسلام، سرزمین فلسطین به دست عمرو بن العاص فتح گردید و پرچم اسلام در سال ۱۳۶ میلادی در بیت المقدس برافراشته شد. فلسطین در فاصله سالهای ۱۵۱۶ تا ۱۹۱۸ بخشی از امپراتوری عظیم عثمانی بود. از اواخر قرن نوزدهم، یهودیان اروپا با برپایی نهضتی با نام صهیونیسم در صدد رهایی خود از ظلمها و تبعیضها از طریق تشکیل کشوری یهودی در سرزمین فلسطین برآمدند. نخستین کنگره جهانی صهیونیست در شهر بال سوئیس در سال ۱۸۹۷ برگزار شد و تئودور هرتزل سردبیر

یکی از روزنامه‌های معتبر وین، رهبری نهضت را در دست گرفت. با برگزاری کنگره‌های بعدی صهیونیسم در سالهای بعد، روند مهاجرت یهودیان به فلسطین، جریان‌ی چشمگیر به خود گرفت به طوری که از سال ۱۹۱۹ تا تشکیل رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، رقمی حدود ۴۸۲۸۵۷ نفر به فلسطین مهاجرت کردند. (ص ۷۵) سرانجام در ۱۴ مه ۱۹۴۸، آژانس یهود با اعلامیه‌ای تأسیس کشور اسرائیل را اعلام کرد. مسئله یهودیان در ایران نخستین بار در زمان ناصرالدین شاه، متعاقب تصمیم «اتحادیه یهودیان جهان» برای گسترش نفوذ خود در ایران و تأسیس مدارس آلیانس، مطرح گردید. این مدارس را مهمترین محرک مهاجرت یهودیان ایرانی به سرزمین فلسطین می‌دانند.

«ایران پهلوی و اسرائیل: متحدین استراتژیک»، عنوان فصل چهارم است. بررسی چرایی و چگونگی مناسبات ایران پهلوی و اسرائیل، هدف عمده این فصل است. نویسنده با اشاره به مباحث تئوریک روابط بین الملل چنین استدلال می‌کند که سیاست خارجی ایران در قبال اسرائیل و

مناسبات این دو در فاصله سالهای ۱۳۵۷-۱۳۲۷ در چارچوب پارادایم رئالیسم به طور عام و نظریه اتحادیه به طور خاص قابل فهم است. از آنجا که نویسنده قصد بررسی مناسبات دو کشور را در قالب اتحاد راهبردی دارد، در بخش نخست این فصل به بازبینی نظریه‌های اتحاد در روابط بین الملل می‌پردازد. وی با تمایز بین مفاهیم اتحاد، اتفاق و ائتلاف، اتحاد را اخص از مفهوم اتفاق و ائتلاف را اخص از دو مفهوم دیگر می‌داند. ریشه‌یابی شکل‌گیری اتحاد ایران و اسرائیل در دوره پهلوی، بخش بعدی این فصل است. حاجی یوسفی با اشاره به محیط امنیتی هر دو کشور، اصرار دارد که باید این حوزه را در ارتباط با منابع تهدید (داخلی و خارجی) و همچنین تصورات فرصت مورد بررسی قرار داد. (ص ۹۴) ایران در ۱۴ اسفند ۱۳۲۸ (۱۹۵۰)، اسرائیل را به صورت دوفاکتو به رسمیت شناخت. نویسنده چرایی این مطلب را در تأثیرات عوامل خارجی (قدرتهای بزرگ) بر سیاست خارجی و بی‌ثباتی داخلی ایران می‌داند. البته به نظر می‌رسد وجود هزاران نفر از ایرانیان مقیم